

تدوین مصحف یا باز نویسی آیات

شمس‌الله معلّم‌کلایی*

چکیده

چگونگی جمع قرآن در شمار مسائلی است که میان پژوهشگران علوم قرآن همواره مطرح بوده است. برخی بر این باورند که قرآن، نخستین بار در زمان ابوبکر، توسط زید بن ثابت تدوین شد. اما حتی از نوشته‌های محققان اهل سنت^(۱) و تصریحات آنان نیز به دست می‌آید که قرآن در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طور کامل نوشته شد. آن حضرت و عده‌ای از صحابه، از جمله کاتبان وحی، دارای قرآن کاملی بودند که در آن، آیات هر سوره به طور منظم مرتب شده بود. پس، تلاشی که زید به دستور ابوبکر پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله برای جمع قرآن انجام داد، تنها بازنگاری آیات بود؛ بدین صورت که آیات را از روی نوشت افزارهای مختلف جمع کرد و روی اوراق و برگه‌ها نوشت.

کلیدواژه‌ها: جمع قرآن، تدوین قرآن، بین‌الدفتین، مصحف، صحف، زید بن ثابت، بازنویسی آیات.

مقدمه

نگارش، جمع و تدوین قرآن^(۲) از مسائلی است که قرآن پژوهان در تاریخ قرآن، همواره به آن عنایت داشته‌اند. بدون شک، قرآن در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نوشته شده و آیات هر سوره به صورت منظم کنار هم گرد آمده بود، اما در مورد زمان تدوین قرآن و قرار گرفتن آن میان دو جلد، سه دیدگاه متفاوت وجود دارد که عبارتند از: ۱. تدوین قرآن در زمان خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله؛ ۲. تدوین مصحف پس از رحلت آن حضرت صلی الله علیه و آله و در زمان ابوبکر، به دستور وی توسط زیدبن ثابت؛ ۳. تدوین مصحف در زمان عثمان.^(۳)

برخی از صاحب نظران با تمسک به روایات اهل سنت و با ردّ قول اول، تدوین قرآن در زمان صحابه را بدون اشکال دانسته و آن را از مسلمات قطعیه تاریخ شمرده‌اند.^(۴) اما گروهی نیز با اشکال به این روایات، جمع قرآن در زمان خلفا را امری موهوم و پنداری غلط، و آن را مخالف قرآن، سنت، عقل و اجماع دانسته^(۵) و دلایل متعددی بر این مدعا آورده‌اند.^(۶)

جمع‌آوری و بازنویسی آیات هر سوره نایل آید. از این رو، نمی‌توان نظریه تدوین قرآن در عصر خلیفه اول را پذیرفت. این بحث از آن جهت ضرورت دارد که عده‌ای بر این باورند که به هنگام رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن در مکان‌های مختلف پراکنده بود و خلیفه اول با کمک زیدبن ثابت توانست قرآن را تدوین کرده و بین‌الدفتین قرار دهد و آن را از خطر زایل شدن نجات بخشد؛ از این رو، او را احیاگر قرآن بعد از رحلت حضرت رسول معرفی کرده و آن را فضیلتی دانسته‌اند که تنها به او اختصاص یافته است.^(۸) اینان با طرح این بحث، موجب انحراف اذهان از مسئله مهم تاریخی مبنی بر علت پذیرفتن مصحف امام علی علیه السلام از سوی خلیفه اول شده‌اند. این پژوهش در پی اثبات این است که زید فقط به بازنویسی آیات اقدام کرد؛ یعنی آیات قرآن را روی یک نوشت افزار خاص نوشت، اما قرآن را تدوین نکرد و بین‌الدفتین قرار نداد و منشأ چنین عملی نیز گرایش‌های سیاسی حکومت وقت بود.

در این مقاله برای اثبات مدعای خود مسائل زیر را بررسی کرده‌ایم:

الف. جمع قرآن در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله

قرآن در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صورت نوشته شده در سطور و حفظ در صدور نگه‌داری می‌شد. اموری بر این امر دلالت دارد:

۱. تشویق حضرت محمد صلی الله علیه و آله به نوشتن قرآن

حضرت رسول صلی الله علیه و آله علاوه بر تشویق مسلمانان بر حفظ قرآن،^(۹) به کتابت قرآن نیز سفارش و تشویق می‌کردند. کتابت قرآن و جمع آن در سطور به دو گونه بوده است: ۱.

برخی از صاحب نظران با تمسک به روایات اهل سنت و با ردّ قول اول، تدوین قرآن در زمان صحابه را بدون اشکال دانسته و آن را از مسلمات قطعیه تاریخ شمرده‌اند.^(۴) اما گروهی نیز با اشکال به این روایات، جمع قرآن در زمان خلفا را امری موهوم و پنداری غلط، و آن را مخالف قرآن، سنت، عقل و اجماع دانسته^(۵) و دلایل متعددی بر این مدعا آورده‌اند.^(۶)

تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته گرچه شایسته تقدیر است، اما علاوه بر منابع روایی، باید به سخنان و گفتار اندیشمندان اهل سنت نیز مراجعه نمود و نظر آنان را از لابه‌لای مطالبشان در این باره جویا شد.

آنچه که به نظر قطعی می‌رسد این است که کل قرآن در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مکتوب و جمع‌آوری شده بود، و زید نیز به دستور ابوبکر به بازنویسی آیات قرآن اقدام کرد و توانست با شیوه‌ای خاص آیات هر سوره را نوشته و گردآوری نماید، ولی کار وی در همین مرحله متوقف ماند و نتوانست به تدوین و قرار دادن قرآن میان دو جلد بپردازد. برخی از بزرگان اهل سنت نیز معترفند که زید به تنظیم سوره‌ها اقدام ننمود^(۷) و فقط توانست به

کتابت ناقص؛ ۲. کتابت کامل. هر دو نوع کتابت در زمان آن حضرت اتفاق افتاده است. از این رو، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره مردم را به قرائت قرآن از روی نوشته توصیه می‌کردند: «لَيْسَ شَيْءٌ أَشَدَّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي الْمُصْحَفِ نَظْرًا وَ الْمُصْحَفُ فِي الْبَيْتِ يَطْرُدُ الشَّيْطَانَ»؛^(۱۰) چیزی مانند قرائت قرآن از روی مصحف برای شیطان سخت‌تر نیست، وجود مصحف در خانه، شیطان را دور می‌سازد. همچنین ابودر در حدیثی نقل می‌کند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «التَّظَرُّ فِي الصَّحِيفَةِ يَعْنِي صَحِيفَةَ الْقُرْآنِ عِبَادَةٌ»؛^(۱۱) نگاه به صفحات قرآن عبادت است. و نیز بیان داشته‌اند: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ كُتِبَ لَهُ أَلْفٌ حَسَنَةً»؛^(۱۲) برای کسی که قرآن را از روی مصحف تلاوت کند هزار حسنه نوشته می‌شود.

به دنبال چنین سفارش‌هایی، مسلمانان درصدد نگارش آیات برآمدند و برخی توانستند مصحفی برای خود فراهم آورند. حمزه عموی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در جنگ احد به شهادت رسید، از جمله کسانی است که مصحف ناقصی برای خود تهیه کرده بود.^(۱۳)

۲. کتابت آیات قرآن توسط کاتبان وحی

با آغاز نزول قرآن، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نویسندگانی را که «کاتبان وحی» نامیده می‌شدند برگزیدند تا قرآن را بنویسند. وظیفه آنان این بود که هرگاه آیه‌ای نازل می‌شد آن را بر روی صحیفه‌هایی می‌نوشتند و نسخه‌ای از آن را در اختیار آن حضرت قرار می‌دادند.^(۱۴) زید می‌گوید: ما نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ورقه‌های قرآن را جمع‌آوری می‌کردیم. این کلام زید دلالت آشکار دارد بر اینکه قرآن در زمان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جمع شده بود.^(۱۵) زرکشی نیز بر این مطلب تأکید کرده، می‌گوید: جمع قرآن در سه زمان اتفاق افتاده است: ۱. در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ ۲. در زمان ابوبکر؛ ۳.

در زمان عثمان.^(۱۶)

کاتبان وحی نه تنها قرآن را در حضور خود رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌نوشتند و آن را در اختیار ایشان قرار می‌دادند، بلکه نسخه‌ای نیز برای خود می‌نوشتند.^(۱۷) همچنین اینان ملزم به عرضه قرآن‌های خود بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند. ذهبی هفت نفر از کاتبان وحی را در شمار کسانی می‌آورد که قرآن را بر آن حضرت عرضه می‌کردند: «الذین عرضوا على النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سبعة: علي رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، عثمان بن عفان، أبي، ابن مسعود، زيد، ابوموسی و ابوالدرداء».^(۱۸) از این روایات استفاده می‌شود که این گروه، قرآن‌گردآوری شده خود را بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرضه می‌کردند تا مبادا در آن اشکالی به وجود آمده باشد و یا غلط ثبت شده و یا در ترتیب آن اشتباهی رخ داده باشد.^(۱۹)

۳. مرتب‌شدن آیات در سوره‌ها به دستور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ترتیب آیات قرآن نیز به دستور خود رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صورت گرفت و هرگاه آیه‌ای نازل می‌شد همواره می‌فرمودند: آنها را بنویسید و این آیه را در فلان سوره قرار دهید: «وكان كلما أنزل عليه شيء من القرآن أمر بكتابتها و يقول في مفترقات الآيات: ضعوا هذه في سورة كذا».^(۲۰) در روایت دیگری نیز آمده است: «كان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مما يأتي عليه الزمان و هو ينزل عليه من السور ذوات العدد فكان إذا أنزل عليه الشيء دعا بعض من يكتب له فيقول ضعوا هذه في السورة التي يذكر فيها كذا و كذا و إذا أنزلت عليه الآيات قال ضعوا هذه الآيات في السورة التي يذكر فيها كذا و كذا و إذا أنزلت عليه الآية قال ضعوا هذه الآية في السورة التي يذكر فيها كذا و كذا».^(۲۱)

۴. نگارش کل قرآن در زمان حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عقیده مشهور آن است که کل قرآن در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از کاغذیابوست و ... است که در آن چیزی مکتوب باشد. (۲۹)
 «مصحف»، جمع آن مصاحف و در لغت، چیزی است
 که در آن، صحف جمع شده است؛ یعنی چیزی که دارای
 دو جلد بود و در آن اوراق، جمع آوری و نگه‌داری
 می‌گردید. (۳۰)

در اصطلاح، مراد از «صحف» ورقه‌هایی است که در
 آنها آیات قرآن به صورت منظم جمع شده‌اند، و مراد از
 «مصحف»، ورقه‌هایی است که در آن آیات هر سوره و نیز
 تمامی سوره‌ها به ترتیب و پشت سر هم قرار
 گرفته‌اند. (۳۱)

واژه «مصحف» در زمان حیات پیامبر ﷺ کاربرد
 فراوان داشته و تعبیر رایجی بوده است، حتی خود ایشان
 نیز از قرآن‌های موجود در آن زمان به «مصحف» تعبیر
 کرده‌اند نه صحیفه. برای نمونه، به دو روایت اشاره
 می‌شود: عن عثمان بن عبد الله بن أوس الثقفي عن جده
 قال: قال رسول الله ﷺ: «قراءة الرجل في غير المصحف
 ألف درجة وقراءته في المصحف تضاعف على ذلك
 ألفي درجة»؛ (۳۲) خواندن قرآن از روی غیر مصحف هزار
 درجه و از روی مصحف دو هزار درجه دارد. همچنین
 فرمودند: «أعطوا أعينكم حظها من العبادة النظر في
 المصحف»؛ (۳۳) بهره‌برداری چشمان خود را با نگاه به
 مصحف پرداخت نمایید.

ابن مسعود نیز از قرآن، به «مصحف» تعبیر کرده و گفته
 است: «أديموا النظر في المصحف»؛ (۳۴) ابن‌قتیبه نیز در
 کتاب خود از مصحف ابن‌مسعود و ابی‌سخن به میان
 آورده است. (۳۵)

اما از آن‌رو که در زمان ابوبکر، زید نتوانست به تنظیم
 سوره‌ها اقدام کند، نمی‌توان جمع وی را مصحف نامید،
 بلکه او فقط به جمع صحف و مرتب‌کردن آیات هر سوره
 دست یافت. چنان‌که عثمان نیز به این مطلب توجه نموده

نوشته و جمع شده است. افرادی مانند سیوطی، زرقانی،
 ابن‌عاشور، عبدالقادر، صبحی صالح و دیگران تصریح
 کرده‌اند که همه قرآن در زمان رسول خدا ﷺ مکتوب و
 جمع شده بود. (۲۲) به سخن برخی از آنان در ذیل اشاره می‌کنیم:
 - «و قد كان القرآن كتب كله في عهد
 رسول الله ﷺ»؛ (۲۳) تمام قرآن در زمان رسول‌الله ﷺ
 مکتوب بود.

- «أن القرآن كان مكتوباً كله على عهد
 الرسول ﷺ»؛ (۲۴) کل قرآن در زمان رسول خدا ﷺ به
 صورت مکتوب در آمده بود.

- «من قال إنه لم يجمع على عهد الرسول ﷺ فقد
 أخطأ»؛ (۲۵) کسی که بر این باور باشد قرآن در زمان
 پیامبر ﷺ جمع نشده، در اشتباه است.

- «و قد جمع من الصحابة القرآن كله في حياة
 رسول الله ﷺ»؛ (۲۶) تعدادی از صحابه همه قرآن را
 جمع‌آوری کرده بودند.

- قد جُمع القرآن كله من هذا الوجه (وجه ترتیب
 الآيات) في زمن النبي ﷺ؛ (۲۷) تمام قرآن در حالی که
 آیات آن مرتب شده بود در زمان پیامبر اکرم ﷺ جمع شد.
 نتیجه آنکه پیامبر ﷺ و مردم فقط به حفظ قرآن اکتفا
 نمی‌کردند، بلکه در همان زمان، قرآن علاوه بر حفظ،
 مکتوب هم می‌شد؛ چه به صورت ناقص در دست برخی
 مردم و چه به صورت کامل نزد پیامبر ﷺ و کاتبان
 وحی، و نیز آیات هر سوره به صورت کامل جمع‌آوری و
 ترتیب یافته بود.

ب. کاربرد مصحف درباره قرآن در زمان حضرت

رسول اکرم ﷺ
 «صحیفه» مفرد صحف و صحائف، در لغت یعنی: هر
 آنچه که در آن چیزی نوشته باشند (۲۸) و به معنای تکه‌ای

نسخه‌برداری گردید.^(۴۱) برخی دیگر نیز در تأیید این کلام، کتابت قرآن را دو مرحله‌ای دانسته و معتقدند: در مرحله اول که زمان ابوبکر رخ داد، آیات بر روی صحیفه‌ها و نوشت افزارهای خاصی مکتوب شد.^(۴۲) اما مرحله دوم جمع‌آوری این صحیفه‌ها و قرار دادن آنها در یک مصحف واحد بوده است که در زمان عثمان واقع شد.^(۴۳) بنابراین، تدوین به معنای مرتب‌کردن سوره‌ها و قرار دادن آنها میان دو جلد، قطعاً در زمان ابوبکر صورت نگرفته است. اما اگر کارزید مرتب‌کردن آیات (با ترتیبی که رسول خدا دستور داده بودند) باشد؛ این همان کاری بود که برخی از صحابه و کاتبان وحی در زمان پیامبر ﷺ انجام داده بودند. در نتیجه، کارزید با کار کسانی همچون ابی و ابن مسعود و دیگران که برای خود، مصاحفی داشتند تفاوتی ندارد.

ج. مراد از پراکندگی قرآن در زمان پیامبر ﷺ

در عصر نزول، نوشت افزارهایی که برای نوشتن قرآن استفاده می‌شد مختلف بوده و صحابه آیات قرآن را بر روی چوب‌های نخل، سنگ‌های نازک، استخوان‌های درشت و نیز کاغذ می‌نوشتند و یا در حافظه خود می‌سپردند. زید در این باره می‌گوید: آیات قرآن را از نوشته‌های روی چوب‌های نخل، سنگ‌های سفید نازک و استخوان‌های شانه شتر یا گوسفند و کاغذ و یا بر روی پوست دباغی شده و حافظه مردم جمع‌آوری نمودم.^(۴۴) در مورد پراکندگی آیات، دو احتمال قابل تصور است: احتمال نخست آنکه هریک از صحابه، حتی کاتبان وحی، تنها بخشی از قرآن را داشتند و نزد هیچ‌یک از آنان کل قرآن کریم نبود.

احتمال دیگر آنکه برخی از خواص و یا حداقل خود رسول خدا ﷺ دارای قرآن کامل از ابتدا تا انتها بودند،

و از جمع زید به عنوان «مصحف» یاد کرد و قرآن خود را «مصحف» نام نهاد. در همین زمینه، بخاری می‌گوید: عثمان از حفصه درخواست کرد تا صحیفه‌های نزد خود را برای انجام نسخه‌برداری در مصاحف به وی بدهد.^(۳۶) در این عبارت، عثمان از قرآن ابوبکر به «صحیفه» تعبیر کرد نه مصحف؛ ولی در همان حال، از قرآن دیگری که خود در حال تنظیم آن بود به نام «مصحف» یاد کرد. این نشان می‌دهد که در آن عصر صحیفه غیر از مصحف بود. ابن‌عبدالبر نیز گفته است: ابوبکر دستور داد تا زید قرآن را در صحیفه‌هایی جمع کند و وی نیز آیات را در این صحیفه‌ها نوشت.^(۳۷)

از روایات و نقل‌های تاریخی فوق به دست می‌آید که در زمان پیامبر ﷺ و صحابه، مصحف وجود داشت و استفاده از واژه مصحف تعبیر رایجی بوده است. زرقانی نیز تصریح کرده است که حضرت علی رضی الله عنه و برخی دیگر از صحابه پیش از جمع ابوبکر دارای مصحف بودند.^(۳۸) به همین سبب، عده‌ای بحث «اولیت خاصه» را مطرح کرده و گفته‌اند: درست است که پیش از جمع ابوبکر، صحابه نیز دارای مصاحفی بوده و قرآن را نوشته بودند، اما او چون به روش خاصی نوشته، بنابراین، از این لحاظ اولین فردی است که قرآن را نوشته است.^(۳۹)

پس می‌توان گفت: عمل زید به فرمان ابوبکر، صرفاً جمع‌آوری آیات بود نه تدوین و قرار دادن آیات بین‌الدفتین. از این رو، برخی با منکر شدن مصحف ابوبکر، کار تدوین را به زمان عثمان نسبت داده و گفته‌اند: مراد از جمع ابوبکر، نسخه‌برداری از آیات و نوشتن آنها بر روی صحیفه‌هاست و مراد از جمع در زمان عثمان، قرار دادن آنها بین‌الدفتین.^(۴۰) بنابراین، کار زید فقط جمع بر روی صحف و اوراق بوده است. پس در واقع، در زمان پیامبر اکرم ﷺ قرآن، جمع‌آوری و در زمان ابوبکر

گرچه در نوشت افزارهای مختلف آن زمان جمع شده بود. تفصیل این مطلب در قسمت «جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ» گذشت.

لازمه پذیرش احتمال اخیر وجود حداقل یک قرآن کامل است. برخی معتقدند: قرآن در منزل پیامبر ﷺ در ورقه‌هایی پراکنده وجود داشت. (۴۵) زرکشی می‌گوید: شکی نیست که ابن مسعود و معاذ بن جبل قرآن را جمع کرده بودند و دلایل آن متظافر است. (۴۶) ابن قتیبه نیز بر این باور است که ابن مسعود قرآنی در اختیار داشت که در آن سوره حمد و معوذتین وجود نداشت و همچنین قرآن ابی دارای دو سوره اضافی به نام‌های خلع و حقد بوده است. (۴۷)

نتیجه آنکه قرآن در یکجا جمع شده بود، اما آیات آن بر روی مواد مختلفی مکتوب بود و زید با استفاده از یک نوع نوشت افزار آنها را بازنویسی کرد.

اما آیا چنین جمعی سبب فضل و برتری است یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، باید گفت: این کار پیش از زید، توسط امام علی علیه السلام و دیگران انجام شده بود (۴۸) و حتی اجماع وجود دارد که در زمان پیامبر ﷺ گروهی از صحابه تمام قرآن را نوشته بودند. (۴۹)

و اگر جمع زید فضیلتی به حساب نمی‌آمد، پس چرا برخی بر آن بالیدند و آن را الهامی از سوی خدا و مایه حفظ و عدم زوال قرآن دانستند، (۵۰) و ادعا کردند: اگر ابوبکر به چنین کاری اقدام نمی‌کرد چه بسا قرآن تاروزگار اخیر جمع نمی‌شد و نتیجه چنین کاری را سلامت و حفظ قرآن از تحریف دانسته‌اند. (۵۱)

اما اگر احتمال نخست، مراد باشد، یعنی کل قرآن به صورت پراکنده در دست مردم بود، به گونه‌ای که هر مسلمانی بخشی از آیات را در اختیار داشت، از این رو، قرآن کاملی در دسترس نبود و به همین سبب، زید برای

اینکه این قرآن پراکنده بعد از مدتی از بین نرود و زایل نگردد، با روش خاصی به جمع‌آوری آیات پرداخته است؛ شواهد نشان می‌دهد که منظور از جمع زید، همین نوع است؛ چراکه برخی تصریح کرده‌اند قرآن در مکان‌های مختلفی پراکنده بود، (۵۲) و عده‌ای نیز به طور ضمنی با بیان این که قرآن در زمان پیامبر ﷺ در ورقه‌ها و حافظه‌های مردم پراکنده بود، (۵۳) و اگر جمع نمی‌شد خوف زایل و ضایع شدن وجود داشت، بر آن مهر تأیید نهادند. (۵۴)

اما این احتمال مردود است؛ زیرا با آنچه در روایات آمده که کل قرآن در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشت، منافات دارد. (۵۵) به همین سبب، برخی تصریح کردند که قرآن موجود در منزل پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت ورقه‌ورقه و پخش شده بود و برای اینکه این اوراق گم نشود و زایل نگردد با نخ و طناب به یکدیگر بسته شده بودند. (۵۶) پس تمام قرآن وجود داشت و این‌گونه نبود که حتی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز دارای قرآن کامل نباشند. زرقانی در این باره می‌گوید: تمام قرآن در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله نوشته شده بود. وی همچنین در ادامه می‌افزاید: اصحاب بعد از نوشتن آیات، آن مکتوبات را در منزل پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌دادند، (۵۷) و اگر کسی بگوید که قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله جمع نشده، خطا کرده است؛ زیرا چنان‌که گذشت، کاتبان وحی نوشته‌های قرآنی خود را در اختیار حضرت رسول صلی الله علیه و آله قرار می‌دادند و هرکدام هم نسخه‌ای برای خود می‌نوشتند. (۵۸) پس نه تنها خود پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن کاملی داشتند، بلکه برخی از صحابه و کاتبان وحی نیز دارای قرآن کامل بودند: «کان من الصحابه من جمع القرآن کله علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله منهم ابی، معاذ، زید، ابوزید، ابن مسعود، علی بن ابیطالب رضی الله عنه، عمر، عثمان، ابوبکر، عایشه، حفصه، ام سلمه و... و لکن بعض هؤلاء

و به دستور او و تشویق‌های عمر مأمور جمع‌آوری قرآن گردید.^(۶۴) گرچه وی در ابتدا سر باز زده و آن را از کندن و انتقال کوه سخت‌تر می‌دانست، اما در نهایت به انجام چنین کاری رضایت داد و پس از جمع‌آوری قرآن، آن را به ابوبکر واگذار کرد.^(۶۵)

برای مشخص شدن محتوای کار زید، لازم است به معنای کلمه «جمع» توجه شود. عمر به ابوبکر گفت: «انی اری أن تأمر بجمع القرآن»؛^(۶۶) به عقیده من، تو باید دستور دهی تا قرآن جمع گردد. کلمه «جمع» در کلام عمر، دو معنا می‌تواند داشته باشد:

۱. جمع یعنی: گردآوری تک‌تک آیات هر سوره، به گونه‌ای که هر آیه‌ای در هر سوره طبق ترتیبی که پیامبر ﷺ فرموده است قرار گیرد.

۲. مراد از جمع یعنی: پس از مرتب‌کردن آیات هر سوره، خود سوره‌ها نیز منظم شده و ترتیب در آنها نیز رعایت شود، و سپس بین‌الدفتین قرار گیرند.

اگر جمع به معنای مرتب‌کردن آیات باشد، این امر در زمان حیات پیامبر ﷺ نیز انجام شده بود. پیش‌ترین بیان گردید که در آن زمان تمام قرآن نوشته و جمع شده بود و خود پیامبر اکرم و نیز کاتبان وحی دارای مصحف کاملی بودند که آیات هر سوره در آن به ترتیب قرار داشتند.

و اگر به معنای تدوین و قرار دادن بین دو جلد باشد، اولاً، چرا عمر از کلمه بین‌الدفتین و یا مصحف استفاده نکرد؟^(۶۷) و ثانیاً، در هیچ نقلی نیامده که زید بعد از نوشتن آیات و قرار دادن هر آیه‌ای در جایگاه مناسب خود، به تنظیم سوره‌ها نیز اقدام کرده و برای آن، دو جلد در دو طرف این صحیفه‌ها قرار داده باشد.^(۶۸) بلکه

تمامی نقل‌ها دلالت دارند که زید پس از جمع‌آوری آیات، آنها را در پارچه‌ای پیچیده در صندوقی (رَبْعَة) گذاشت و در اختیار حکومت قرار داد. این صحیفه‌ها بعد

الآخرین اكملوا جمعه بعد وفاته.^(۵۹) پس احتمال اول مردود می‌باشد.

نتیجه آنکه کل قرآن در زمان پیامبر ﷺ، هم وجود داشت و هم به صورت مکتوب در منزل ایشان موجود بود، اما این منافاتی ندارد که قرآن‌های ناتمامی نیز در نزد برخی از صحابه یا افراد عادی وجود داشته باشد؛ چون کاتبان قرآن دو دسته بودند:

۱. گروهی که کاتب وحی بودند و قرآن نوشته شده را در اختیار پیامبر ﷺ قرار می‌دادند. این گروه عبارت بودند از: علی بن ابیطالب رضی الله عنه، ابی بن کعب، زید بن ثابت و ابوبکر و... بنابراین، قرار دادن اسامی کاتبان وحی در شمار حافظان قرآن، عملی بیهوده و در واقع، تحریف تاریخ است.^(۶۰)

۲. گروهی دیگر از اصحاب پیامبر ﷺ نیز به هر مقداری که می‌توانستند آیات را می‌نوشتند. از این‌رو، مانند گروه نخست ملتزم به جمع تمام آیات به ترتیبی که رسول خدا ﷺ دستور داد، نبودند. برخی، اندکی از آیات را می‌نوشتند و برخی دیگر، با تکیه بر حافظه عربی خود، آیات را حفظ می‌کردند.^(۶۱)

ابوعبداللّه زنجانی نیز صحابه را به دو گروه تقسیم کرده و می‌گوید: در زمان رسول اللّه ﷺ بعضی از صحابه کل قرآن را جمع کرده بودند و گروهی دیگر مقداری از آن را جمع کرده بودند، ولی بعد از رحلت ایشان آن را تکمیل نمودند.^(۶۲)

بنابراین، زید کار جدیدی از خود ارائه نداد. نهایت آنکه وی نوع نوشت افزار را تغییر داد. در نتیجه، قرآن زید با قرآن‌های سایرین از حیث تدوین و ترتیب تفاوتی نداشت.

د. چندوچون محتوای جمع زید

پس از جنگ یمامه^(۶۳) و کشته شدن عده‌ای از حافظان و قاریان قرآن، زید بن ثابت به حضور ابوبکر فراخوانده شد

از ابوبکر به عمر و دخترش حفصه رسید^(۶۹) و عثمان در زمان خلافت خود با گرفتن ربه و صحیفه‌ها از حفصه، به کتابت و توحید مصاحف اقدام نمود.^(۷۰) پس باید گفت: زید آیات هر سوره را به ترتیبی که پیامبر ﷺ دستور داده بودند جمع کرد. ثالثاً، لازمه‌اش این است که مراد از جمع دیگر صحابه نیز جمع بین دو جلد باشد.

بنابراین، مراد از جمعی که عمر از آن سخن به میان آورد باید چیز دیگری باشد که حتی پیامبر ﷺ نیز آن را انجام نداده بود و به همین سبب، زید بن ثابت از چنین پیشنهادی اظهار شگفتی و عجز نمود و در ابتدا از انجام آن سر باز زد و آن را از کندن و جابه‌جایی کوه مشکل تر دانست. اما مراد از «جمع» چه بوده است که آن قدر مشکل می‌نمود و محتوای کار زید چه بود؟

با توجه به اجماعی که نسبت به توقیفی بودن ترتیب آیات هر سوره وجود دارد،^(۷۱) دو احتمال برای عملکرد زید قابل تصور است: یکی، بازنویسی آیات، که زید توانست با موفقیت آنها را به شیوه خاصی - با فراخوان عمومی مردم و گرفتن دو شاهد^(۷۲) - گردآوری و بازنویسی نماید. دیگری، مرتب کردن سوره‌ها.

اگر ترتیب سوره‌ها توقیفی باشد، یعنی پیامبر ﷺ علاوه بر مرتب کردن آیات هر سوره، به مرتب کردن سوره‌ها نیز دستور داده باشند؛ در این صورت، نگرانی زید معنایی نخواهد داشت؛ چراکه از کار پیامبر ﷺ پیروی کرده است.

و اگر قایل شویم که ترتیب سوره‌ها توقیفی نبوده است، با توجه به کلام زرکشی و حاکم و دیگران باز هم هراسی متوجه زید نخواهد بود؛ زیرا همگی تأکید دارند که زید به ترتیب سوره اقدام نکرده است. زرکشی می‌گوید: صحابه فقط به جمع آیات در یک‌جا اقدام کردند تا اینکه از بین نروند.^(۷۳) حاکم نیز مرتب‌سازی سوره‌ها را

توسط زید رد کرده و می‌گوید: جمع قرآن فقط یک بار اتفاق نیفتاده است، بلکه یک بار در زمان پیامبر ﷺ بود و یک بار در زمان ابوبکر و جمع سوم که همان ترتیب سوره‌ها بود در زمان عثمان اتفاق افتاد^(۷۴) که از صحیفه‌هایی که نزد حفصه بود نسخه‌برداری کرد.^(۷۵) به همین سبب، برخی بحث را عوض کرده و گفته‌اند: مراد از جمع زید، کتابت مخصوص با روشی ویژه است.^(۷۶)

این شواهد نشان می‌دهد که جمع زید با جمعی که در زمان پیامبر ﷺ بود تفاوتی نداشت^(۷۷) و او همانند دیگر صحابه، فقط آیات را طبق ترتیبی که رسول خدا ﷺ فرموده بود، جمع کرد، اما برای تنظیم سوره‌ها و تدوین مصحف اقدامی ننمود و این عثمان بود که قرآن را بر اساس ترتیب سوره‌ها تنظیم و منتشر ساخت. پس آنکه باید از جمع قرآن هراس داشته باشد، عثمان است نه زید؛ زیرا وی دخل و تصرفی در قرآن نکرده بود.^(۷۸)

نتیجه آنکه زید فقط آیات را دوباره بازنویسی کرد. پس مراد عمر از جمعی که به زید پیشنهاد داده بود و زید از آن هراس داشت، چیز دیگری است که حتی پیامبر ﷺ نیز آن را آن‌گونه انجام نداده بود.

ه. نقش و تأثیر قرآن زید در جامعه آن روزگار

آنچه که تاکنون به اثبات رسید این است که زید به جمع‌آوری آیات قرآن اقدام نمود و در این کار توانست قرآن را بر روی یک نوع نوشت افزار گردآوری نماید که اقدامی قابل توجه است. اما وی به تنظیم سوره‌ها و در نهایت، تدوین قرآن و قرار دادن آن بین الدفتین موفق نشد. در مورد قرآنی که توسط زید فراهم آمد، این سؤال به ذهن می‌آید: صحیفه‌های زید چه تأثیری در جامعه آن روزگار به جا گذاشت و آیا قرآن او در اختیار مردم قرار گرفت؟ آنچه که از لابه‌لای نقل‌ها برمی‌آید این است که

بین مردم است که سبب محفوظ ماندن آن می‌گردد، وگرنه بسیاری از مردم تعدادی از آن را در خانه‌های خود داشتند و حتی برخی نیز برای خود مصحف داشتند؛ پس نیازی به جمع‌آوری ابوبکر نبود.

پس می‌توان به این نتیجه رسید که گردآوری زید ثمره‌ای برای اسلام و مسلمانان در آن برهه از زمان نداشت. اما این احتمال قوت می‌گیرد که چون برخی از صحابه همچون امام علی رضی الله عنه، ابن مسعود و أبی بن کعب دارای مصاحفی برای خود بودند، حکومت وقت نیز در پی تهیه مصحف برای خود بود؛ چراکه داشتن مصحف شخصی، نشانهٔ تشخص به شمار می‌رفت و مالکیت آن بر شخصیت مذهبی و ارزش اجتماعی دارنده آن می‌افزود ^(۸۴) و این عمل با سیاست خاصی با کمک زید انجام گرفت.

نتیجه

۱. ضبط قرآن به دو صورت بوده است: «حفظ در صدور» و «جمع در سطور» ^(۸۵) که هر دو در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله اتفاق افتاده است.

۲. جمع کل به معنای نوشتن تمام قرآن و مرتب کردن آیات هر سوره قطعاً در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت پذیرفت.

۳. تمام قرآن توسط کاتبان وحی نوشته می‌شد و در اختیار رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار می‌گرفت و آن حضرت یک نسخهٔ کامل از تمامی آیات مرتب‌شده را در اختیار داشت. آنها یک نسخه را نیز برای خود نگه می‌داشتند.

۴. قرآن مکتوب به دو صورت وجود داشت: الف. در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نوشت‌افزارهای مختلف همچون استخوان پهن، چوب، سنگ و قرطاس و...؛ ب. بعد از رحلت ایشان در یک نوشت‌افزار خاص.

حکومت، فقط یک نسخه از قرآن را نوشت و پس از جمع‌آوری نزد خود نگه داشت و در اختیار مسلمانان قرار نداد. پس از او، نزد عمر بود و بعد از عمر دست حفصه ماند. ^(۷۹) دراز تصریح دارد که قرآن حکومت، کار شخصی و فردی بوده است؛ از این رو، صحابه نیز به آن اعتنایی نکرده، ^(۸۰) هرکدام به ترویج مصحف خود پرداختند و در تمامی بلاد مسلمانان مصحف آنان بر سر زبان‌ها بود. مثلاً، اهل کوفه مصحف ابن مسعود را قرائت و اهل شام از مصحف أبی بن کعب پیروی می‌کردند و در حمص قرائت مقداد و در بصره مصحف ابوموسی به اسم «لباب القلوب» شهرت داشت و خوانده می‌شد، ^(۸۱) و اسمی از صحیفه‌های گردآوری شده توسط زید نبود.

برخی دربارهٔ علت عدم ترویج قرآن حکومت و استقبال نکردن مردم از آن گفته‌اند: ضرورت و انگیزه‌ای وجود نداشت که قرآن زید در اختیار مردم قرار گیرد؛ زیرا مردم در قرآن اختلافی نداشتند؛ از این رو، به منزلهٔ وثیقه‌ای باقی ماند تا در وقت ضرورت از آن استفاده نمایند. ^(۸۲) این نشان می‌دهد که حاکمان، قرآن گردآوری شده را در اختیار مردم قرار نداده‌اند تا آنان از آن بهره‌مند گردند. از سوی دیگر، صرف نبود انگیزه و یا ضرورت، نمی‌تواند کار ابوبکر را در ارائه ندادن صحیفه‌ها به مردم، توجیه کند؛ چراکه اگر مردم می‌توانستند از روی آن استنساخ کنند و یا قرآن ناقص خود را با کمک آن کامل نمایند، این بهترین راه برای حفظ و نگه‌داری قرآن بود و با تحریض ابوبکر و عمر سازگارتر می‌نمود. اصلاً فلسفه چنین کاری از ابتدا حفظ قرآن از زایل شدن بود، چنان‌که برخی گفته‌اند: اگر این کار انجام نمی‌شد با درگذشت حفاظ و قاریان قرآن و صحابه، کل قرآن از بین می‌رفت و فراموش می‌شد. ^(۸۳) آیا صرف نگه‌داری قرآن در خانه سبب محفوظ ماندن آن می‌شود یا انتشار و شیوع آن در

۵. زید به دستور ابوبکر فقط آیات هر سوره را طبق آنچه که از رسول خدا ﷺ تعلیم داده بودند، مرتب و منظم کرد، ولی به ترتیب سوره‌ها اقدام نمود.

۶. فرمان ابوبکر به زید در جمع‌آوری آیات، صرفاً سیاسی بود تا نشان دهد که حکومت وقت نیز قرآن کاملی دارد.^(۸۶) و این مصحف را تا پایان خلافت عمر در اختیار کسی قرار ندادند.

۷. بحث از جمع زید، یک بحث انحرافی است تا ذهن دیگران به این نکته منتقل نشود که اولاً، چرا حکومت وقت، قرآن بدون بیان پیامبر ﷺ نوشت و ثانیاً، چرا قرآن امام علی علیه السلام را نپذیرفت؟

پی‌نوشت‌ها

- ۱- لازم به ذکر است که آنچه در این نوشتار می‌آید عمدتاً از منابع اهل سنت می‌باشد و سعی شده است از منابع شیعی تا حد امکان استفاده نشود، تا نشان داده شود مشهور و بسیاری از بزرگان اهل سنت بر این باورند زید مصحفی بین‌الدفتین ننوشت، بلکه آیات هر سوره را همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جمع کرده بودند، بازنویسی کرد.
- ۲- مراد از تدوین، قرار گرفتن قرآن میان دو جلد و بین‌الدفتین است.
- ۳- در این مقاله به این دیدگاه پرداخته نمی‌شود.
- ۴- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ج ۱۲، ص ۱۲۰؛ همو، *قرآن در اسلام*، ص ۱۳۱؛ محمدهادی معرفت، *تاریخ قرآن*، ص ۸۵.
- ۵- ر.ک: سید ابوالقاسم خوئی، *البیان*، ص ۲۵۶.
- ۶- سیدجعفر مرتضی عاملی، ده دلیل برای اثبات قول اول اقامه کرده است (سیدجعفر مرتضی عاملی، *حقائق هامة حول القرآن الکریم*، ص ۶۵-۹۰).
- ۷- ر.ک: بدرالدین زرکشی، *البرهان فی علوم القرآن*، ج ۱، ص ۲۳۶؛ ابوعبدالله حاکم نيسابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۲، ص ۲۲۹؛ جلال‌الدین سیوطی، *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۲۰، به نقل از ابن‌التین.
- ۸- عبدالصبور شاهین، *تاریخ قرآن*، ترجمه حسین سیدی، ص ۱۱۰؛ ر.ک: اسماعیل‌بن کثیر، *فضائل القرآن*، ص ۲۵.
- ۹- محمدبن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعة*، ج ۶، ص ۱۶۹.

- ۱۰- محمدبن فهد حلّی، *عدة الداعی*، ص ۲۷۲.
- ۱۱- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۶، ص ۲۰۵.
- ۱۲- همان، ج ۱، ص ۵۳۶.
- ۱۳- ر.ک: عبدالصبور شاهین، همان، ص ۱۴۱.
- ۱۴- ر.ک: ابن حجر عسقلانی، *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*، ج ۹، ص ۱۰؛ عبدالقادر ملاحویش آل‌غازی، *بیان المعانی*، ج ۱، ص ۲۸.
- ۱۵- ر.ک: ابوعبدالله حاکم نيسابوری، همان، کتاب‌التفسیر، ج ۲، ص ۶۱۱؛ جلال‌الدین سیوطی، همان، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۲۱.
- ۱۶- ر.ک: بدرالدین زرکشی، همان، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸.
- ۱۷- عبدالقادر ملاحویش آل‌غازی، همان، ج ۱، ص ۲۸؛ صبحی صالح نیز بر همین عقیده است (صبحی صالح، *مباحث فی علوم القرآن*، ص ۷۳).
- ۱۸- محمدبن احمد ذهبی، *معرفة القراء الکبار*، ص ۲۴؛ بدرالدین زرکشی، همان، ج ۱، نوع ۱۳، ص ۲۴۲.
- ۱۹- ر.ک: محمدحسین علی‌الصغیر، *تاریخ القرآن*، ص ۷۲؛ محمدعلی ایازی، *کاوشی در تاریخ جمع قرآن کریم*، ص ۳۳.
- ۲۰- بدرالدین زرکشی، همان، ج ۱، نوع ۱۲، ص ۲۳۲.
- ۲۱- احمدبن حنبل، *مسند احمد*، ج ۱، ص ۶۹.
- ۲۲- دکتر رامیار نام ۱۴ تن از صحابه را بیان می‌کند که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله دارای مصاحفی بودند (ر.ک: محمود رامیار، *تاریخ قرآن*، ص ۳۳۵).
- ۲۳- جلال‌الدین سیوطی، همان، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۱۶.
- ۲۴- محمد عبدالعظیم زرقانی، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، ج ۱، مبحث الثامن، ص ۲۴۸.
- ۲۵- عبدالقادر ملاحویش آل‌غازی، همان، ج ۱، ص ۲۸.
- ۲۶- محمدبن طاهر ابن‌عاشور، *التحریر و التنبیر*، ج ۱، ص ۹۰.
- ۲۷- محمد شرعی ابوزید، *جمع القرآن*، ص ۴۷؛ علی‌بن سلیمان العبدی، *جمع القرآن الکریم حفظاً و کتابة*، ص ۳۵-۳۶؛ صبحی صالح، همان، ص ۷۳.
- ۲۸- محمدبن مکرم ابن‌منظور، *لسان العرب*؛ راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، ذیل ماده «صحف».
- ۲۹- فخرالدین طریحی، *مجمع البحرین*، ذیل ماده «صحف».
- ۳۰- خلیل‌بن احمد فراهیدی، *العین*؛ ابن‌منظور، همان؛ راغب اصفهانی، همان، ذیل ماده «صحف».
- ۳۱- ر.ک: محمد عبدالعظیم زرقانی، همان، ج ۱، مبحث العاشر، ص ۴۰۹؛ ابوعبدالله زنجانی، *تاریخ القرآن*، ص ۹۷ و ۱۲۶؛ ابن‌حجر عسقلانی، *فضائل القرآن*، ص ۴۰-۴۱.
- ۳۲- بدرالدین زرکشی، همان، ج ۱، ص ۴۶۲؛ علی‌بن ابی‌بکر هیشمی، *مجمع الزوائد*، ج ۷، ص ۱۶۵؛ علاء‌الدین متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۱، ص ۵۱۶.
- ۳۳- علاء‌الدین متقی هندی، همان، ج ۱، ص ۵۱۰.
- ۳۴- علی‌بن ابی‌بکر هیشمی، همان، ج ۷، ص ۱۶۵.

- ۳۵- ر.ک: عبدالله بن قتیبه، **تأویل مشکل القرآن**، ص ۳۴.
- ۳۶- ر.ک: محمد بن اسماعیل بخاری، **صحیح البخاری**، ج ۶، ص ۹۹؛ ابن اثیر، **الکامل فی التاریخ**، ج ۳، ص ۱۱۲؛ محمد بن احمد ذهبی، **تاریخ الاسلام**، ج ۳، ص ۴۷۶؛ عبدالرحمن بن خلدون، **دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ**، ج ۲، ص ۵۸۳؛ احمد بن الحسین بیهقی، **سنن الکبری**، ج ۲، ص ۴۱.
- ۳۷- ر.ک: یوسف بن عبدالبر، **الاستیعاب فی معرفة الاصحاب**، ج ۲، ص ۵۳۹.
- ۳۸- ر.ک: محمد بن عبدالعظیم زرقانی، همان، ج ۱، مبحث الثامن، ص ۲۵۴-۲۵۵.
- ۳۹- ر.ک: همان، ج ۱، ص ۲۵۴؛ محمد شرعی ابوزید، همان، ص ۴۷ و ۱۱۳.
- ۴۰- لازم به ذکر است که نگارنده درصدد تأیید نظریه قرار گرفتن قرآن بین الدفتین در زمان عثمان، نیست و آنچه که در متن آمده صرفاً نقل قول است نه تأیید.
- ۴۱- عبدالقادر ملاحویش آل غازی، همان، ج ۱، ص ۲۸-۳۱.
- ۴۲- وهبة زحلی، **التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج**، ج ۱، ص ۲۲.
- ۴۳- محمد شرعی ابوزید، همان، ص ۱۰.
- ۴۴- برای اطلاع بیشتر، ر.ک: محمد بن اسماعیل بخاری، همان، ج ۸، ص ۱۱۸؛ احمد بن علی نسائی، **السنن الکبری**، ج ۵، ص ۸-۷؛ محمد بن حبان، **صحیح ابن حبان**، ج ۱۰، ص ۳۶۰؛ جلال الدین سیوطی، همان، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۱۹.
- ۴۵- ر.ک: بدرالدین زرکشی، همان، ج ۱، ص ۲۳۷ به نقل از ابو عبدالله الحارث بن اسد المحاسبی در: **فهم السنن**.
- ۴۶- همان، ج ۱، ص ۲۳۷.
- ۴۷- ر.ک: عبدالله بن قتیبه، همان، ص ۳۴.
- ۴۸- گرچه قرآن امام علی رضی الله عنه به دست مردم نرسید، اما قرآن زید نیز در اختیار مردم قرار نگرفت و آنان نتوانستند از آن بهره ببرند (این موضوع در آینده در قسمت نقش و تأثیر قرآن زید بررسی خواهد شد).
- ۴۹- ر.ک: مصطفی صادق رافعی، **اعجاز القرآن**، ص ۳۵.
- ۵۰- ر.ک: جلال الدین سیوطی، همان، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۱۶؛ ابن کثیر، همان، ص ۲۵.
- ۵۱- عبدالصبور شاهین، همان، ص ۱۱۰.
- ۵۲- ر.ک: ابن کثیر، همان، ص ۲۵.
- ۵۳- ر.ک: محمد بن احمد بن جزیری، **التسهیل لعلوم التنزیل**، ج ۱، ص ۵.
- ۵۴- ر.ک: محمد بن اسماعیل بخاری، همان، ج ۸، ص ۱۱۸.
- ۵۵- إن رسول الله صلی الله علیه و آله قال لعلي رضی الله عنه: «يا علي القرآن خلف فراشي في الصحف و الحرير و القراطيس فخذوه و اجمعوه و لا تضيعوه كما ضيعت اليهود التوراة؛ فانطلق فجمعه في ثوب أصفر ثم ختم عليه في بيته و قال: لا أرتدي حتى أجمعه فانه كان الرجل ليأتيه
- ۵۶- ر.ک: بدرالدین زرکشی، همان، ج ۱، ص ۲۳۸؛ جلال الدین سیوطی، همان، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۱۸.
- ۵۷- ر.ک: محمد بن عبدالعظیم زرقانی، همان، ج ۱، مبحث الثامن، ص ۲۴۸-۲۴۹.
- ۵۸- ر.ک: عبدالقادر ملاحویش آل غازی، همان، ج ۱، ص ۲۸؛ علی بن احمد بن حزم، **جمهرة انساب العرب**، ص ۳۵۱.
- ۵۹- محمد فرید وجدی، **صفوة العرفان فی تفسیر القرآن**، ج ۱، ص ۱۷۹، به نقل از: جمعی از محققین، **علوم القرآن عند المفسرین**، ج ۱، ص ۳۶۲.
- ۶۰- آقای محمد طاهر کردی با تحریف آشکار تاریخ، نام کاتبان وحسی را در فهرست حافظان قرآن قرار داده است. (ر.ک: محمد طاهر کردی، **تاریخ القرآن الکریم**، ص ۵۹-۶۰).
- ۶۱- ر.ک: محمد بن عبدالعظیم زرقانی، همان، ج ۱، مبحث الثامن، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ محمد بن طاهرین عاشور، همان، ج ۱، ص ۹۰.
- ۶۲- ابو عبدالله زنجانی، همان، ص ۱۰۱.
- ۶۳- جنگ یمامه با یاران مسیلمه کذاب بود و چند ماه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و در اوایل خلافت ابی بکر در سال دوازده هجرت رخ داد. (ر.ک: رسول جعفریان، **تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفا)**، ج ۲، ص ۳۰؛ محمد طاهر کردی، همان، ص ۲۸-۲۹).
- ۶۴- این جمع حدود یک سال به طول انجامید (ر.ک: صبحی صالح، همان، ص ۷۷؛ محمد طاهر کردی، همان، ص ۲۸). آقای رامیار نیز می گوید: چون ابوبکر در ۲۲ جمادی الاخر سال ۱۳ بدرود حیات گفت بنابراین، دوران کار زید نمی تواند بیش از ۱۴ ماه باشد (محمود رامیار، همان، ص ۳۲۴).
- ۶۵- ر.ک: محمد بن اسماعیل بخاری، همان، ج ۸، ص ۱۱۸.
- ۶۶- عبدالله زرکشی، همان، ج ۱، ص ۲۳۳.
- ۶۷- با توجه به اینکه قبلاً بیان شد که تعبیر مصحف یک تعبیر رایج در آن زمان بوده است.
- ۶۸- آیت الله معرفت نیز معتقد است که زید صرفاً آیات هر سوره را جمع کرد و به ترتیب سوره ها اقدام نکرده است. (محمد هادی معرفت، **التمهید**، ج ۱، ص ۲۸۶)؛ بدین ترتیب، زید... هر سوره ای که کامل می شد در صندوقچه مانندی از چرم به نام «زبعة» قرار می داد تا آنکه سوره ها یکی پس از دیگری کامل شد. ولی هیچ گونه نظم و ترتیبی بین سوره ها به وجود نیامد. (همو، **علوم قرآنی**، ص ۱۲۵).
- ۶۹- ر.ک: محمد بن اسماعیل بخاری، همان، ج ۸، ص ۱۱۸؛ جلال الدین سیوطی، همان، ج ۱، ص ۱۶۱؛ ابراهیم ابیاری، **الموسوعة القرآنية**، ج ۱، ص ۳۴۹ و ۳، ص ۶۳.
- ۷۰- ر.ک: ابن ابی داود سجستانی، **المصاحف**، ص ۸۷.
- ۷۱- ر.ک: جلال الدین سیوطی، همان، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۲۱.

تمام شأن نزولها و تفسیرهایش از حفظ داشتند، در حالی که خلیفه خود در تفسیر کلمه «أَب» فرو مانده بود و نسخه‌ای از قرآن هم نداشت. در این رهگذر، فرد اول دستگاه خلافت و حکومت، نباید چیزی از دیگران کم داشته باشد. شهرت مصاحف دیگر بر سر زبان‌ها بود و خلیفه نمی‌توانست کم از آنها داشته باشد. این بود که از همان توجه به قرآن بهره جستند (محمود رامیار، همان، ص ۳۳۳-۳۳۱).

۸۵- لازم به ذکر است که دو عبارت «حفظ در صدور» و «جمع در سطور» از کتاب **التبیین فی علوم القرآن** اثر محمدعلی صابونی، صفحه ۴۹ به عاریت گرفته شده است.

۸۶- ر.ک: محمدحسین حسینی جلالی، **دراسة حول القرآن الکریم**، ص ۶۴.

منابع

- ابن اثیر، علی بن ابی مکرّم، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- ابن جزّی، محمد بن احمد، **التسهیل لعلوم التنزیل**، ط. الرابعة، لبنان، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۳ق.
- ابن حزم، علی بن احمد، **جمهرة انساب العرب**، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق.
- ابن حنبل، احمد، **مسند احمد**، قاهره، مؤسسه قرطبة، بی تا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، **دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب**، ط. الثانية، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، **وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان**، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، **التحریر و التنویر**، بیروت، مؤسسه التاریخ، ۱۴۲۰ق.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله، **احکام القرآن**، لبنان، دارالفکر، بی تا.
- ابن قتیبة، عبدالله، **تأویل مشکل القرآن**، بی جا، بی تا.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، **فضائل القرآن**، ط. الثانية، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۷ق.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین، **لسان العرب**، بی جا، دارالفکر، بی تا.
- ابوریة، محمود، **أضواء علی السنة المحمدیة**، ط. الخامسة، بی جا، البطحاء، بی تا.
- ابوزید، محمد شرعی، **جمع القرآن**، (CD المكتبة الشاملة، الاصدار الثاني).
- ابیاری، ابراهیم، **الموسوعة القرآنیة**، بیروت، مؤسسه سجد العرب،

۷۲- محمود ابوریة، **أضواء علی السنة المحمدیة**، ص ۲۴۸.

۷۳- ر.ک: بدرالدین زرکشی، همان، ج ۱، ص ۲۳۶؛ برخی در وصف امتیازات جمع ابوبکر گفته‌اند: یکی از مشخصات بارز کار وی این بود که او فقط آیات را در هر سوره مرتب و منظم کرد، ولی سوره را تنظیم نکرد. (محمد شرعی ابوزید، همان، ص ۱۱۳).

۷۴- ر.ک: ابو عبد الله حاکم نیسابوری، همان، ج ۲، ص ۲۲۹؛ بدرالدین زرکشی، همان، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸.

۷۵- ر.ک: ابن حجر عسقلانی، **فضائل القرآن**، ص ۲۳؛ جلال الدین سیوطی، همان، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۲۰ و ۱۲۴؛ محمد بن احمد بن جزّی، همان، ج ۱، ص ۵.

۷۶- ر.ک: جلال الدین سیوطی، همان، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۱۶.

۷۷- البته لازم به ذکر است که هر چند زید نوشت افزار را عوض کرد و به آن سامان داد، اما از آن جهت که کار وی در راستای مصحف پیامبر ﷺ و دیگران بود کار جدیدی نیست.

۷۸- برخی نیز این را به نظم درآورده و گفته‌اند:

لم یجمع القرآن فی مجلد علی الصحیح فی حیاة أحمد
للامن فیہ من خلاف ینشأ و خیفة النسخ بوحی یطراً
و کان یکتب علی الأکتاف و قسطع الأدم و اللسخاف
و بعد إغماض النبی فالاحق أن أبابکر بجمعه سبق
جمعه غیر مرتب السور بعد إشارة الیه من عمر...
(محمد طاهر الکردی، همان، ص ۲۲).

۷۹- ر.ک: فهید بن عبدالرحمن رومی، **جمع القرآن الکریم فی عهد الخلفاء الراشدین**، ص ۱۳؛ محمد بن اسماعیل بخاری، همان، ج ۸، ص ۱۱۸؛ ابن حجر عسقلانی، **فتح الباری بشرح صحیح البخاری**، ج ۹، ص ۱۰؛ احمد بن محمد بن ابی بکر ابن خلکان، **وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان**، ج ۳، ص ۶۸؛ بدرالدین زرکشی، همان، ج ۱، ص ۲۳۴؛ جلال الدین سیوطی، همان، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۱۷؛ محمد بن عبدالله بن عربی، **احکام القرآن**، ج ۲، ص ۶۰۸. سیوطی می‌گوید: آیات را طبق آنچه که پیامبر ﷺ فرموده بودند در صحیفه‌هایی گردآوری کردند و اسمی از مصحف نمی‌برد. (ر.ک: جلال الدین سیوطی، همان، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۲۰).

۸۰- ر.ک: محمد عبدالله دراز، **مدخل الی القرآن الکریم**، ص ۳۸، به نقل از: محمد حسین علی الصغیر، **تاریخ القرآن**، ص ۸۲.

۸۱- ر.ک: ابن اثیر، همان، ج ۳، ص ۱۱۱.

۸۲- ر.ک: محمد طاهر الکردی، همان، ص ۲۹ و ۲۴؛ عبدالقیوم عبدالغفور السندی، **جمع القرآن الکریم فی عهد الخلفاء الراشدین**، ص ۳۳.

۸۳- ر.ک: جلال الدین سیوطی، همان، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۱۶؛ محمد طاهر الکردی، همان، ص ۳۱ و ۴۱.

۸۴- هریک از نخبگان جامعه که در رأس آنها علی بن ابیطالب رضی الله عنه وجود داشت، مسلح به سلاحی بودند که به تنهایی برای هر مبارزه‌ای کافی بود و آن داشتن نسخه‌ای کامل از قرآن بود که رفعت و منزلتی بس والا به دارندة اش می‌بخشید. علاوه بر اینکه آن را با

- ١٤٠٥ق. - زركشى، بدرالدين محمدبن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، بى جا، داراحياء الكتب العربية، ١٣٧٦ق.
١٣٧٨. - كتاب مبین، ١٣٧٨.
- ١٤٠١ق. - بخارى، محمدبن اسماعيل، صحيح البخارى، بى جا، دارالفكر، ١٣٨٠.
١٣٨٠. - بيهقى، ابوبكر احمدبن حسين، السنن الكبرى، هند، بى نا، ١٣٤٤ق.
١٣٨٠. - جعفریان، رسول، تاريخ سياسى اسلام (تاريخ خلفاء)، قم، دليل، ١٣٨٠.
١٣٨٠. - جمعى از محققين، علوم القرآن عندالمفسرين، قم، مركز الاعلام الاسلامى، ١٤١٦ق.
١٣٨٢. - حاكم نيسابورى، ابو عبدالله، المستدرک على الصحيحين، بيروت، دارالكتاب العربى، بى تا.
- ١٤٠٥ق. - حبان، محمدبن، صحيح ابن حبان، (CD المكتبة الشاملة، الاصدار الثانى).
- ١٩٩٠م. - صالح، صبغى، مباحث فى علوم القرآن، ج هفدهم، بيروت، دارالعلم للملایين، ١٩٩٠م.
- ١٤١٧ق. - طباطبائى، سيد محمدحسين، الميزان، قم، جامعة مدرسین، ج پنجم، ١٤١٧ق.
١٣٧٩. - قرآن در اسلام، ج دهم، قم، جامعة مدرسین، ١٣٧٩.
- ١٤٠٣ق. - طبرسى، احمدبن على، الاحتجاج، مشهد، مرتضى، ١٤٠٣ق.
١٣٧٥. - طبرى، محمدبن جرير، تاريخ الطبرى، بيروت، مؤسسة العلمى، بى تا.
١٣٧٥. - طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، تهران، كتابفروشى مرتضوى، ١٣٧٥.
- ١٤١٢ق. - عبدالبر، يوسفبن، الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، تحقيق على محمد الجاوى، بيروت، دارالجيل، ١٤١٢ق.
- ١٤١٢ق. - عبيد، على بن سليمان، جمع القرآن الكريم حفظا وكتابة (CD المكتبة الشاملة، الاصدار الثانى).
- ١٤١٠ق. - عسقلانى، ابن حجر، فتح البارى بشرح صحيح البخارى، ط. الثانية، بيروت، دارالمعرفة، بى تا.
١٣٦٧. - فضائل القرآن، بيروت، دار و مكتبة الهلال، ١٩٨٦م.
- ١٤٢٠ق. - على الصغير، محمدحسين، تاريخ القرآن، بيروت، دارالمورخ العربى، ١٤٢٠ق.
١٣٦٧. - فراهيدى، خليل بن احمد، العين، قم، اسوه، ١٤١٤ق.
١٣٦٧. - قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، ط. الرابعة، قم، دارالكتاب، ١٣٦٧.
١٣٦٧. - متقى هندی، علاءالدين، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، ١٣٦٧.
١٣٦٣. - راميار، محمود، تاريخ قرآن، ج دوم، تهران، اميركبير، ١٣٦٣.
١٣٦٣. - رومى، فهدبن عبدالرحمن، جمع القرآن الكريم فى عهد الخلفاء الراشدين، (CD المكتبة الشاملة، الاصدار الثانى).
- ١٤١٨ق. - زحيلي، وهبة بن مصطفى، التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج، ط. الثانية، بيروت، دارالفكر، ١٤١٨ق.
١٣٦٧. - زرقانى، محمد عبدالعظيم، مناهل العرفان فى علوم القرآن، ط. الثالثة (CD المكتبة الشاملة، الاصدار الثانى).

- بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
- مجلسي، محمداقبر، بحار الانوار، بيروت، الوفاء، ١٤٠٤ق.
- مرتضى العاملی، سيدجعفر، حقائق هامة حول القرآن الكريم، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٠ق.
- معرفت، محمدهادی، التمهيد في علوم القرآن، ط. الثانية، قم، التمهيد، ١٤٢٩ق.
- ، تاريخ قرآن، تهران، سمت، ١٣٧٥.
- ، علوم قرآنی، ط. الثالثة، قم، التمهيد، ١٣٨٠.
- ملاحويش آل غازي، عبدالقادر، بيان المعاني، دمشق، بي نا، ١٣٨٢ق.
- ميرمحمدی زرندي، ابوالفضل، بحوث في تاريخ القرآن و علومه، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤٢٠ق.
- نسائي، احمد بن علي، السنن الكبرى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١١ق.
- هلالی كوفي، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس، قم، الهادي، ١٤١٥ق.
- هيثمي، علي بن ابى بكر، مجمع الزوائد، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٨ق.